خرید آنلاین در gajmarket.com

معنی متن ..... صفحهٔ ۱۲۰ تا ۱۲۲ کتاب درسی

آورده‌اند که در ناحیتِ کشمیر مُتَصَیِّدی خوش و مرغزاری نَزِه بود که از عکسِ ریاحینِ او، پَرِ زاغ چون دُم طاوُوس نمودی و در پیشِ جمالِ او دُمِ طاوُوس به پرِ زاغ مانستی.

حکایت کرده‌اند که در سرزمین کشمیر، شکارگاهی خرّم و چمنزاری باصفا بود که از بازتاب گیاهان خوش‌بوی آنجا، پَر کلاغ که زشت و سیاه است، مانند دُم طاووس، به نظر می‌آمد و دُم طاووس در برابر زیبایی آنجا مانند پر کلاغ، زشت به نظر می‌رسید.

آرایه از عکسِ ریاحینِ او ... : اغراق / پَرِ زاغ: نماد زشتی / دُم طاووس: نماد زیبایی / زاغ، طاووس: تضاد - مراعات‌نظیر / پَر زاغ چون دُم طاووس - دُم طاووس مانند پَر زاغ: تشبیه

نکته پر زاغ نمودی: می‌نمود (ماضی استمراری) / مانستی: می‌مانست (ماضی‌استمراری) / مرجع ضمیر «او»: متصیّد و مرغزار (غیرانسان)

دِرَفشان لاله در وی، چون چراغی ولیک از دُودِ او بر جانَش داغی

گل لاله در آن چمنزار، مانند چراغی می‌درخشید و از دود آن چراغ، وسط گلبرگ‌های لاله سیاه شده بود.

آرایه لاله: ایهام تناسب: (۱- گل لاله ۲- نوعی چراغ (با دود و چراغ تناسب دارد.)) / لاله چون چراغ: تشبیه / علّت سیاهی وسط لاله: حسن تعلیل / جان داشتن لاله: جان‌بخشی

نکته مرجع ضمیر «وی»: مرغزار - مرجع ضمیر «او»: چراغ - مرجع ضمیر «ش»: لاله

شقایق بر یکی پای ایستاده چو بر شاخ زمرّد، جام باده

گل [سرخ‌رنگ] شقایق بر ساقهٔ [سبزرنگ] خود ایستاده، مانند پیالهٔ [سرخ‌رنگ] شراب که بر پایهٔ [سبزرنگ] زمرّدی قرار گرفته است.

آرایه پای شقایق: جان‌بخشی / قرار گرفتن شقایق بر ساقهٔ سبزرنگ، مانند جام باده‌ای است که بر روی پایهٔ زمرّدین قرار گرفته است: تشبیه / جام، باده: مراعات‌نظیر

و در وی شکاری بسیار و اختلافِ صیّادانْ آنجا متواتر. زاغی در حوالیِ آن بر در حتی بزرگِ گَشَن خانه داشت. نشسته بود و چپ و راست می‌نگریست. ناگاه صیّادی بدحالِ خَشَن جامه، جالی بر گردن و عصایی در دست، روی بدان درخت نهاد. بترسید و با خود گفت: «این مرد را کاری افتاد که می‌آید و نتوان دانست که قصدِ من دارد یا از آنِ کسِ دیگر. من باری جای نگه دارم و می‌نگرم تا چه کند.»

در آن چمنزار حیوانات زیادی برای شکار وجود داشت و شکارچیان پی‌درپی در آنجا رفت‌وآمد داشتند. کلاغ سیاهی در اطراف آن مرغزار، روی درختی بزرگ و پر شاخ و برگ لانه داشت. نشسته بود و اطراف را نگاه می‌کرد. ناگهان شکارچی آشفته‌حالی که لباس خشن و زبری بر تن و دامی بر گردن و عصایی در دستش داشت، به سمت آن درخت حرکت کرد. کلاغ ترسید و با خود گفت: «این مرد قصد انجام کاری را دارد که به اینجا می‌آید و نمی‌توان فهمید که تصمیم دارد مرا شکار کند یا حیوان دیگری را. به هر حال، من جای خود را نگه می‌دارم (همین جا می‌مانم) تا ببینم چه می‌کند.»

آرایه چپ، راست: تضاد - مجاز (به معنی همه طرف) / صیاد، جال، شکار: مراعات‌نظیر

@ripbooks قبل از استفاده حتما از کتابهای سی آی پی بوکز عضو شوید